



اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در نظام حقوقی ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها*

اعظم پرنده مطلق^۱ - دکتر سیدعباس پورهاشمی^۲

دکتر شیرین شیرازیان^۳ - دکتر علی زارع^۴



This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

از جمله مؤلفه‌های نگران‌کننده نظام‌های حاکمیتی با هر ایدئولوژی متفاوت، حفاظت محیط زیست از گذر اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. این رویکرد می‌تواند در چگونگی و حفاظت از کره زمین و مخاطرات احتمالی پیش‌روی آن، مؤثر واقع شود. در این پرتو، اصل بر آن است که حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در نظام حقوقی ایران اجرا می‌شود. این مهم در مؤلفه فراقانونی و از رهگذر اساسی‌سازی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که در اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و قانونی از نگاه ماده ۹ قانون مدنی که عهود و اسناد بین‌المللی را در حکم قانون می‌پندارد؛ هویدا می‌باشد. بدین‌سان، از یک سو، فرصت‌های حقوقی - قانونی به‌عنوان بستری ضروری برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مهیا و فراهم می‌باشد. لکن، پرسش آن است که چه موانع و یا چالش‌هایی در این موضوع وجود دارد؟ زیرا، اصل بر آن بوده که حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌طور نسبی در ایران اجرا می‌شود و بررسی فرصت‌ها و چالش‌هایی که در این حوزه وجود دارد، در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت که در پرتو آن پیش‌بینی سازوکارهای دقیق اجرای حقوق بین‌الملل، رهیافت این نگارش می‌باشد.

کلیدواژگان: اجرای حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حقوق تطبیقی، ماده ۹.

* این مقاله برگرفته از رساله اعظم پرنده مطلق با عنوان «تدوین الگوی اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در نظام

حقوقی ایران» و راهنمایی دکتر سیدعباس پورهاشمی و دکتر شیرین شیرازیان است.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق محیط‌زیست، گروه حقوق محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ نویسنده مسئول، عضو هیأت علمی و رئیس موسسه تخصصی حقوق بین‌الملل کانادا، تورنتو، کانادا.

ایمیل: President@cifile.org

^۳ استادیار و عضو هیأت علمی، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۴ استادیار و عضو هیأت علمی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

بطور کلی یکی از نگرانی‌های مشترک بشریت در جهان، حفظ محیط‌زیست است. در واقع توسعه حقوق محیط‌زیست بیش از هر چیزی نتیجه ابتکارات بین‌المللی در اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. در راستای اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست توافق میان دولت‌ها، تحقق هدف پایداری و اجرای قوانین داخلی محیط‌زیستی از ابزارهای ضروری است (Saxena, 2015: 5). «هدف از وضع تعهدات بین‌المللی، اجرای آن‌ها از سوی کشورها است اما حقوق بین‌الملل درصدد برقراری نظام حقوقی یکنواخت در همه کشورها نیست بنابراین این امکان برای دولت‌ها فراهم شده است تا با توجه به ساختار نظام حقوقی خود، به تعهدات بین‌المللی جامه عمل ببوشانند» (Ezadi, 2015: 503). در واقع حقوق بین‌الملل در راستای نحوه اجرای تعهدات بین‌المللی، دست دولت‌ها را باز گذاشته است و روش واحد و مشخصی در خصوص نحوه اجرای این تعهدات بین‌المللی در نظام حقوقی داخلی، وجود ندارد. «تیین رابطه حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل و به تبع تقدم و اولویت این دو بر یکدیگر، حدود و ثغور تأثیرگذاری هر کدام بر یکدیگر و الزامات مترتب بر رابطه فی‌مابین آنها از مباحث مهم و چالش‌برانگیزی بوده است. پس از پیدایش جامعه ملل و متعاقباً سازمان ملل متحد و تقویت سازوکارهای جامعه بین‌الملل در قبال کشورها، حقوق بین‌الملل نیز شاهد ارتقای جایگاه بوده است» (Sohrablo, 2019: 450). جایگاه حقوق بین‌الملل نیز بعد از ایجاد جامعه ملل و سازمان ملل متحد و به دنبال آن تحکیم سازوکارهای جامعه بین‌الملل در قبال کشورها، ارتقا پیدا کرده است.

در واقع این اصول و مبانی نظام حقوقی داخلی کشورهاست که نحوه مواجهه با تعهدات بین‌المللی را مشخص می‌کند. به طور کلی ارتباط بین حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی از منظر نظریه‌های یگانگی حقوقی^۱ و دوگانگی حقوقی^۲ و وصف می‌شود. علاوه بر آن، در بسیاری از معاهدات بین‌المللی زیست محیطی دولت‌های ملی خود به موجب ایجاد مکانیسم حقوقی و یا اجرایی در حقوق داخلی مکلف به اجرای صحیح تعهدات و الزامات بین‌المللی شده‌اند. بنابراین، اینکه هر کشوری از چه الگوی حقوقی برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پیروی می‌کند، می‌تواند به اجرای بهتر این قواعد و مقررات کمک شایانی بنماید.

از این رو هدف این پژوهش، بررسی نحوه اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در نظام حقوقی ایران است که تا خلاءهای حقوقی، اجرایی و سیاسی آن را با بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی ارائه نماید. در خصوص نحوه و چگونگی اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در نظام حقوقی کشورهای مختلف دیدگاه‌ها، سئوالات، نظریات و فرضیات مختلفی ارائه شده است و

¹. Monism

². Dualism

سؤال اصلی این پژوهش این است که چه خلاءها و چالش‌هایی برای اجرا در نظام حقوقی ایران وجود دارد؟ که در پاسخ به این سؤال، فرضیه این مقاله بر این مبنا است که در نظام حقوقی ایران، ماده ۹ قانون مدنی راه حلی را برای اجرای معاهدات بین‌المللی ارائه داده است ولی علاوه بر تفسیربردار بودن این ماده، نسبت به سایر منابع حقوق بین‌الملل از قبیل عرف بین‌المللی و رویه‌های قضایی ساکت و صامت است و اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ایران را با مشکل مواجه می‌سازد. به عبارت دیگر، گرچه قانونگذار در ماده ۹ قانون مدنی، معاهدات بین‌المللی را در حکم قانون به شمار آورده است ولی راهکارهای اجرایی آن در نظام حقوقی ایران به درستی وضع و تبیین نگردیده است. از این رو، اجرای معاهدات بین‌المللی علی‌رغم اهمیت ماده ۹ قانون مدنی، با خلأهای حقوقی و اجرایی روبرو شده است که در این مقاله تلاش خواهیم کرد ضمن بیان این خلأها، به راهکارهای جبران آن اشاره نماییم.

۱- پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه تحقیق، گرچه در زمینه موضوع این مقاله آثار زیادی در ادبیات حقوقی کشور یافت نمی‌شود، اما با این همه، یکی از آثار در این زمینه، کتاب پل مارتین و آماندا کندی (۲۰۱۵) با عنوان «اجرای حقوق محیط‌زیست» است (Martin & Kennedy, 2015) نویسندگان در این کتاب تلاش کرده‌اند ضمن بررسی دیدگاه‌های حقوقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همچنین سستی اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را بررسی نمایند. این کتاب مجموعه مقالاتی است در زمینه‌های نظری که روابط بین حقوق بین‌الملل و قوانین محیط‌زیست داخلی را بررسی می‌نماید و همانطور که در بالا ذکر شد از نقاط قوت این کتاب این است که از دیدگاه‌های مختلف به بررسی اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پرداخته است و نقطه ضعف این کتاب این است که به طور مستقیم به روش‌های اجرای حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی داخلی کشورها نمی‌پردازد.

اثر بعدی مربوط به مقاله عباس پورهاشمی و مجتبی سبحانی نیا، (۱۳۹۹) با عنوان «جایگاه معاهده در نظام حقوقی ایران با نگاهی به نحوه اجرای معاهدات زیست محیطی» (Poorhashemi & Sobhani Nia, 2020) است. برآیند این مقاله این بوده که با بررسی و تحلیل رویه‌های عملی اتخاذ شده از سوی قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران، نظام حقوقی ایران رهیافت برابری حقوق معاهدات بین‌المللی با نظام حقوقی داخلی را برگزیده است. و اینکه این مقاله تنها به یکی از منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که همان معاهدات است پرداخته و سایر منابع را بررسی نکرده از نقاط ضعف این مقاله است.

یکی دیگر از آثاری که می‌توان به آن اشاره نمود کتاب پیتر اچ سندز (۲۰۱۵)، با عنوان «مقدمه‌ای بر تاریخ و ریشه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» (Peter H. Sand, 2015) است وی در

این کتاب با بکارگیری روش تاریخی و تقسیم‌بندی دوره‌های مختلف حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به اجرای حقوق بین‌الملل پرداخته است که از مزایای این کتاب پرداختن به اجرای حقوق بین‌الملل از طریق تقسیم‌بندی دوره‌های مختلف حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است که به طور کامل به دوره‌های مختلف حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پرداخته می‌شود. با این همه، این کتاب از ارائه یک روش جامع برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در نظام حقوقی داخلی کشورها غافل مانده است که این از معایب این کتاب است.

همچنین کتاب «حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» نوشته عباس پورهاشمی و بهاره ارغند (۱۳۹۱)، (Poorhashemi & Arghand, 2013) به ابعاد مختلف و با رویکردی تحلیلی-توصیفی به منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پرداخته است ولی نقدی که به این کتاب وارد است، فقدان تمرکز بر موضوع اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌باشد.

۲- مبانی نظری روش‌های اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مجموعه‌ای حقوق است که با طبیعت سروکار دارد و با فرهنگ و انسان تفاوت دارد. در واقع حقوق بین‌الملل، به مقررات‌گذاری محیط‌زیست می‌پردازد پس می‌توان انتظار داشت که حقوق بین‌الملل محیط‌زیست سنگ بنای سیستم حقوقی بین‌المللی باشد. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، در نگاه اول، مجموعه‌ای از حقوق که با محیط‌زیست بین‌المللی سروکار دارد نیست بلکه یک شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل است که با محیط‌زیست سروکار دارد. (Humphreys and Otomo, 2014)

رابطه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی نیز از موضوعات بنیادین مورد بحث میان اندیشمندان مربوط به این دو حوزه بوده است که عده‌ای از این اندیشمندان از جمله تری پل^۱ و انزیلوتی^۲ و اوپنهایم^۳ معتقدند که حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی دو نظام مستقل و جدا از یکدیگر هستند که هر یک دارای قلمرو خاص خود می‌باشند (نظریه دوگانگی و یا دوئالیسم). عده‌ای دیگر نیز مانند هانس کلسن^۴؛ ژرژسل^۵؛ لاتریپاخت^۶ و دوگی^۷ حقوق بین‌الملل را از حقوق داخلی مجزا نمی‌دانند؛ زیرا اعتقاد دارند که مفهوم واقعی حقوق، بر مجموع فعالیت‌های اجتماعی حاکم است

^۱ Heinrich Triepel

^۲ Anzilotti

^۳ Oppenheim

^۴ Hans Kelsen

^۵ Georges Scelle

^۶ Lauterpacht

^۷ Doggy

که از تجمع اصول ناشی شده است (نظریه یگانگی یا وحدت حقوقی) (Kirchmair, 2018: 55). از آنجایی که اصطلاح «مونیسم» و «دونالیسم» هیچ تعریف مشخصی ندارد، موجب سردرگمی‌های زیادی شده است. در واقع مطابق نظریه یگانگی، حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی بخش‌هایی از یک نظم حقوقی می‌داند و نمی‌توان آنها را دو نظام حقوقی متفاوت دانست. بر همین اساس حقوق بین‌الملل (معاهده) بدون نیاز به قانون‌گذاری، در نظام‌های حقوقی ملی مستقیماً قابل اجرا می‌شود و بخشی از حقوق داخلی محسوب می‌شود. از لحاظ سلسله مراتب نیز، اکثر معتقدان این نظریه، حقوق بین‌الملل را برتر حقوق داخلی می‌دانند (Owada, 2011: 3). در کشورهای تابع یگانگی، معاهده هنگامی که مطابق قانون اساسی تصویب و لازم‌الاجرا می‌شود، بدون نیاز به قانون‌گذاری قوه مقننه، واجد اعتباری قانونی می‌شود و بخشی از قانون داخلی به حساب می‌آید. در واقع ورود حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی مستلزم همکاری بین نظام‌های حقوقی و وجود وابستگی متقابل بین آنها است. به‌طور کلی روابط بین دو نظم حقوقی، موجب پیوستگی متقابل بین آنها می‌شود. اگر روابط بر اساس تفکیک دو نظم و تا حدی بی‌تفاوتی متقابل باشد، در این صورت بحث دوگانه‌گرایی مطرح می‌شود. بنابراین قاعده خارجی باید از طریق عمل حقوقی خاص تبدیل به قاعده حقوقی داخلی شود تا قابل اجرا گردد. برعکس، نظریه یگانگی، منعکس‌کننده نظم حقوقی واحد است که در آن قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی به یکدیگر مرتبط می‌شوند (Chiam, 2018:1). در این صورت فرض بر برتری حقوق بین‌الملل و جذب خود به خودی آنان در حقوق داخلی صرفاً از طریق انتشار و بدون نیاز به عمل حقوقی ویژه برای پذیرش آن در حقوق داخلی خواهد بود. در خصوص برتری حقوق بین‌الملل یا حقوق داخلی، رویه دولت‌هایی مانند آمریکا، فرانسه، آلمان، سوئیس، اسپانیا و ایتالیا به برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی تأکید دارد. در کشور نیکاراگوئه حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل برتری دارد و در انگلستان نیز ضمن شناسایی برتری حقوق بین‌الملل قراردادی بر حقوق داخلی، حقوق داخلی را در صورت تعارض بر حقوق بین‌الملل مقدم می‌داند. در کشورهایی مثل آرژانتین و ایران نیز تساوی حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل مطرح است (Encyclopedia of Public International Law, 2014: 32). با انجام بررسی‌هایی در قوانین و مقررات داخلی، بویژه قوانین اساسی و آرای دادگاه‌های داخلی و دادگاه‌های عالی کشورها مشخص شد که هیچ کشوری رسماً نظریه دوگانگی حقوقی و نظریه یگانگی حقوقی را نپذیرفته است، هرچند هر یک به نوعی تحت تأثیر یکی از این دو نظریه قرار گرفته است.

۳- تاریخچه

تاریخچه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و اولین اقدامات که برای کاهش نگرانی‌ها درباره

محیط‌زیست توسط جامعه بین‌المللی برداشته شد، به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از آن زمان توسعه زیادی پیدا کرده است (2: Saiful Hasan, 2013). در واقع شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، به معنای امروزی آن به بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط‌زیست استکهلم ۱۹۷۲ برمی‌گردد.

روایات تکامل تاریخی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست عموماً سه دوره اصلی را تشکیل می‌دهد: ۱- دوره سنتی که حدود دهه ۱۹۷۰ است (به عنوان مثال کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ درباره انسان و محیط‌زیست)؛ ۲- دوران مدرنیته از استکهلم تا ۱۹۹۲ کنفرانس ریو سازمان ملل متحد درباره محیط‌زیست و توسعه^۲ (۱۹۷۲-۱۹۹۲)؛ ۳- دوران پست مدرنیته از ریو تا به امروز (از سال ۱۹۹۲ تا به امروز) (2: Sand, 2015).

اولین نقطه عطف در روند توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، را می‌توان کنفرانس استکهلم در دهه ۱۹۷۰ دانست که با به رسمیت شناختن حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به عنوان یکی از حقوق اساسی بشریت، به ارتباط تنگاتنگ توسعه با محیط‌زیست پرداخت و تشکیل نهادهای بین‌المللی را پیشنهاد داد که با این اقدام به روند همکاری‌های جهانی در زمینه محیط‌زیست انسجام بخشید و راه را برای تکامل و توسعه بیشتر قواعد بین‌المللی مربوطه فراهم ساخت.

در دوره تاریخی ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲ از نظر ساختاری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست توسعه یافت و از نظر اصول و قواعد حقوقی و همچنین ایجاد سازمان‌های بین‌المللی برای حفاظت محیط‌زیست توسعه و رشد پیدا کرد و مهمترین اتفاق در این دوره تشکیل سازمان برنامه محیط‌زیست ملل متحد^۳ (یونپ) بود. در دوره پست مدرنیته^۴ هم یکی از مهمترین رویدادهای تاریخی این دوره، برگزاری کنفرانس توسعه پایدار^۵ در ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ بوده است.

۴- اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ایران

بدیهی است که اجرا یک فرایند چندسطحی و دارای چند ذینفع است که از ماهیت حقوقی موافقتنامه‌های بین‌المللی فراتر می‌رود و دارای تأثیرات داخلی و بین‌المللی است که باید در ترکیب با ظرفیت‌ها و نگرش‌های حاکمیتی مورد توجه قرار گیرد (60: Popovski, 2020). امروزه

¹. United Nations Conference on the Man and Environment (Stockholm Declaration) Stockholm - 1972

². United Nations Conference on Environment and Development Declaration Rio - June 1992

³. United Nations Environment Programme

⁴. Postmodernity

⁵. World Summit Unsustainable Development Johannesburg SepTEMBER 2002

موضوع اجرای استانداردهای حقوقی بین‌المللی برای حفاظت از محیط‌زیست یکی از مهمترین مشکلات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مدرن است. از اواخر دهه ۱۹۷۰، زمانی که مردم از تأثیرات مخرب فعالیت‌های خود بر محیط‌زیست آگاه شدند، تلاش‌های جامعه بین‌المللی در جهت توسعه استانداردهای زیست محیطی بوده است. به طور کلی، نحوه اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را می‌توان به دو دسته ابزارهای غیرمقابله‌ای و مقابله‌ای تقسیم‌بندی کرد.

ابزارهای غیرمقابله‌ای شامل: (۱) تبادل اطلاعات، ارزیابی اثرات زیست محیطی، اطلاع‌رسانی به کشورهای آسیب دیده، مشاوره، گزارش‌دهی، نظارت، تأیید و بازرسی، (۲) کمک‌های فنی و مالی، همکاری‌های فنی و علمی، مشوق‌های اقتصادی/ مکانیسم‌های بازار (به اصطلاح ابزارهای علمی، فنی و مالی)، (۳) مکانیسم‌های عدم پیروی از موافقتنامه‌های چندجانبه زیست محیطی، (۴) روش‌های دیپلماتیک حل و فصل اختلافات بین‌المللی.

همچنین ابزارهای مقابله‌ای عبارتند از: (۱) استناد به مسئولیت، (۲) اعمال مجازات از طریق اقدامات متقابل، (۳) محدودیت‌های تجاری یکجانبه که غیرمجاز، (۴) حل و فصل اختلافات با مراجعه به نهادهای بین‌المللی قضایی و شبه قضایی. (Medvedieva, 2014)

به طور نمونه می‌توان با تمسک به این مکانیسم، اجرای کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی (۱۹۷۲) که ایران به آن ملحق شده است و هدف آن کنترل و جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از تخلیه و دفع مواد زائد و تشویق و حمایت از انعقاد قراردادها و توافق‌نامه‌های منطقه‌ای است، را مورد بررسی و تحلیل قرارداد داد. علاوه بر آن این مکانیسم می‌تواند در خصوص کنوانسیون تنوع زیستی^۲ که بخشی از روند کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست و توسعه به شمار می‌رود، قابلیت اجرایی داشته باشد. این معاهده در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو امضا و در سال ۱۹۹۳ لازم‌الاجرا شد و هم اکنون ۱۸۴ عضو دارد. این کنوانسیون بر مبنای سه هدف اصلی حفاظت از تنوع زیستی، بالا بردن ظرفیت کاربرد پایدار آن و سهمیم شدن عادلانه در منافع حاصل از استفاده ذخایر ژنتیکی تشکیل شد. ایران در خرداد ۱۳۷۵ به طور رسمی به این کنوانسیون پیوست و نسبت به تعیین راهبردها و برنامه اقدام ملی در خصوص حفاظت از تنوع زیستی که جزء یکی از الزامات ناشی از پیوستن به این پیمان بود، اقدام کرد. در ادامه فرصت‌ها و چالش‌های موجود در اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱- فرصت‌های موجود در اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست

مطالعه و بررسی ظرفیت‌های نظام حقوقی ایران برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌تواند نقاط قوت و قابلیت‌های لازم را برای تحلیل آن فراهم آورد.

^۱. Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter

^۲. Convention on Biological Diversity

۴-۱-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های موجود در آن

اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله ظرفیت‌های حقوقی است که در خصوص اجرای حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی داخلی به «تبیین جایگاه معاهدات بین‌المللی و صلاحیت قوای حکومتی در فرایند انعقاد آن‌ها» (Bahadori & Fattahi, 2016: 115) می‌پردازد. بر این اساس قانونگذار در پرتو اصول مذکور، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را با نظارت مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رساند.

در واقع، این دو اصل تنها معاهداتی را شامل می‌شوند که دو وصف ایجاد تعهد و بین‌المللی بودن را برای دولت ایران دارا باشند و سایر موافقت‌نامه‌های دولت ایران که هر یک از این دو وصف را ندارند، به تصویب مجلس شورای اسلامی نیازی ندارند و با امضای مقام دارای صلاحیت انعقاد، لازم‌الاجرا می‌شوند (Mardani & Hasan zadeh, 2017: 83). بنابراین روند تصویب اسناد بین‌المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بدین صورت است که دولت تقاضای تصویب موافقت‌نامه بین‌المللی، عهدنامه، مقاله‌نامه، قرارداد و یا الحاق به پیمان‌های بین‌المللی را به همراه متن کامل آن به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌دهد. بر این اساس دولت هم موظف است به منظور محقق ساختن امکان اجرای موافقت‌نامه بین‌المللی، لایحه تصویب آن را به مجلس ارائه دهد تا در دستور کار مجلس قرار گیرد تا مطابق روند قانونی، تصویب شود. مجلس در صورت تصویب، مصوبه را برای اظهارنظر از حیث عدم مغایرت با موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شورای نگهبان ارسال می‌کند و در صورت تأیید شورای نگهبان، رئیس مجلس متن را به رئیس‌جمهور برای امضاء ابلاغ می‌کند. «برخی معتقدند رئیس‌جمهور در اجرای صلاحیت قانون امضای معاهدات، دارای صلاحیت تکلیفی نیست و می‌تواند از امضای آن خودداری کند و نمی‌توان وی را به این کار ملزم کرد. برخی نیز این صلاحیت را صلاحیتی تکلیفی دانسته و وی را مکلف به امضای معاهده پس از تصویب مجلس شورای اسلامی دانسته‌اند» (Bahadori & Fattahi, 2016: 120). بدیهی است که معاهدات بین‌المللی در نظام حقوقی ایران، پس از امضای رئیس‌جمهور یا نماینده وی (مطابق این اصل از قانون اساسی و نظرات شورای نگهبان) به عنوان موافقت‌نامه بین‌المللی رسمیت می‌یابد و قانونی می‌شود.

۴-۱-۲- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های موجود در آن

ماده ۹ قانون مدنی، نیز از جمله ظرفیت‌های حقوقی است که در خصوص اجرای حقوق بین‌الملل، در نظام حقوقی ایران وجود دارد. مطابق قانون مدنی ایران، زمانی که یک معاهده بین‌المللی مورد قبول و تصویب واقع می‌شود، به استناد حقوق بین‌الملل عرفی مندرج در کنوانسیون حقوق معاهدات که در عرصه بین‌المللی قابلیت استناد دارد و نیز مقررات حقوق خصوصی داخلی، که هماهنگ با اصول حقوق خصوصی مورد قبول کشورها است، به تمامی

مفاد یک معاهده قابلیت تسری دارد.

قانون مدنی ایران، مقررات حقوق بین‌الملل را در حکم قانون دانسته است. روشن است که در این حالت، اشخاص حقوقی داخلی در صورتی که مقررات از طریق فنون و روش‌های حقوق عمومی داخلی بصورت قانون داخلی در آمده باشند می‌توانند به چنین مقرراتی استناد کنند. به همین سبب، شاید بتوان گفت که «قاعده مندرج در ماده ۹ قانون مدنی ایران بیشتر به دستورالعملی سیاسی می‌ماند تا قاعده‌ای حقوقی» (Falsafi, 1994: 37).

۴-۲- چالش‌های موجود در اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست

علی‌رغم اهمیت اجرای حقوق بین‌الملل بین‌الملل محیط زیست در نظام حقوقی ایران، اجرای این حقوق همواره با محدودیتهای روبرو بوده است. این چالش‌ها می‌تواند هم شامل خلاءهای حقوقی و اجرایی شود و هم خلاءهای سیاسی. فقدان اجرای مؤثر بسیاری از موافقت‌نامه‌های چند جانبه زیست محیطی بعنوان یکی از خلاءهای مهم در رسیدگی به چالش‌های زیست محیطی شناخته شده است (UNEP, 2018: 8). علاوه بر این، از نظر واقع‌گرایان، موضوع محیط زیست صرفاً یکی از منابع قابل تبیین مناقشه میان دولت‌ها است که به لیست بلند دلایل منازعه اضافه می‌شود. از نظر تئوریسین‌های اقتصاد سیاسی، محیط زیست می‌تواند یکی از جنبه‌های اقتصاد جهانی باشد. به عبارت بهتر، رهیافت‌های سنتی مدت‌های مدیدی است که درگیر مباحث زیست محیطی هستند. با این حال رهیافت‌های سنتی همه مباحث مرتبط به محیط زیست را پوشش نمی‌دهند. مناقشه‌های اجتماعی و سیاسی داخلی یکی از این جنبه‌ها است: تقسیم مباحث محیط زیست به دو حوزه سیاست‌های داخلی و بین‌المللی نمی‌تواند سودمند باشد. محققان محیط زیست گرای روابط بین‌الملل معتقد هستند که باید نگاه‌ها متوجه فراسوی نگرش سنتی به دولت باشد چرا که وقتی مباحث محیط زیست مطرح می‌شود، بسیاری از بازیگران دیگر نظیر شرکت‌های چند ملیتی، نهادهای غیردولتی، مصرف‌کنندگان و... اهمیت پیدا می‌کنند (Jackson & Sorensen, 2015: 446-453).

۴-۲-۱- خلاءهای حقوقی

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ایران دارای خلاءهایی است که از جمله این خلاءها می‌توان به موانع تقنینی برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست، تعارض‌های ساختاری نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل محیط زیست، محدودیتهای موجود در ماده ۹ قانون مدنی و تفسیرهای متعارض در ماده ۹ قانون مدنی ایران برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اشاره کرد.

۴-۱-۱-۲- موانع تقنینی برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست

به طور کلی، کشورها در سطح داخلی برای اجرای تعهدات بین‌المللی بایستی قوانین داخلی مورد نیاز را تدوین، تصویب و اجرا نمایند. در ایران تنوع قوانین بسیار زیاد است ولی روند تصویب این قوانین به سادگی محقق نمی‌شود و روندی طولانی دارد و تصویب قوانین مشکل است چرا که باید از ساز و کارهای قوه مقننه بگذرد و تا در این قوه تصویب نشود قدرت اجرایی

پیدا نخواهد کرد.

یکی دیگر از موانع اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست، قدیمی بودن قوانین است زیرا با متحول شدن و صنعتی شدن دنیا، رویه‌ها و فعالیت‌های جدیدی ایجاد شده که موجب خسارت و آسیب به محیط‌زیست می‌شود که همین امر قوانین جدیدی را می‌طلبد. یکی از مشکلات دیگر، به روز رسانی و اصلاح مستمر قوانین موجود، از جمله قوانین کیفری است؛ به طور مثال، مواردی که مربوط به جرم‌انگاری‌ها است که با توجه به گذر زمان و تغییر و تحول شرایط اقتصادی جامعه، مجازات مقرر شده در برخی از قوانین پاسخگوی اوضاع و احوال موجود نیست. از دیگر مشکلات موجود در قوانین زیست محیطی پراکندگی قوانین است که بایستی قوانین را یکپارچه و تحت قانونی واحد و پایه در آورد.

۴-۱-۲- تعارض‌های ساختاری نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی ایران «عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی» باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و از آنجایی که حقوق ایران مبتنی بر حقوق اسلام است، مجلس شورای اسلامی امکان تصویب قوانین مغایر قانون اساسی و حقوق اسلام را ندارد. همچنین بر طبق ماده ۹ قانون مدنی، «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است». در نتیجه، «معاهدات بین‌المللی که روند قانونگذاری را طی کرده، از طرف شورای نگهبان تأیید شده و رئیس‌جمهور آن را امضا کرده است، ارزشی برابر با قانون داخلی مصوب مجلس را پیدا می‌کنند و می‌توان به این عهدنامه‌ها در محاکم ایران استناد کرد» (Azari & Tabatabai Hesari, 2017: 9).

با این وصف، در مقام اجرای قوانین و نظارت آن در محاکم دادگستری، استناد به معادات بین‌المللی به ندرت انجام می‌گیرد و عدم استناد محاکم در دعای به این اسناد، خود منشأ تعارضی است که در ساختار نظام حقوقی ایران وجود دارد. علاوه بر آن، مؤثر نبودن این اسناد در ایجاد یا اصلاح قوانین و عدم انعکاس عینی و عملیاتی اسناد بین‌الملل در حقوق داخلی از عمده‌ترین چالش‌های ایران در جامعه جهانی است.

۴-۱-۳- محدودیت‌های موجود در ماده ۹ قانون مدنی

ماده ۹ قانون مدنی ایران شامل مقررات معاهده‌ای است و نسبت به سایر منابع حقوق بین‌الملل ساکت می‌باشد. این در حالی است که به طور کلی منابع حقوق بین‌الملل عبارتند از قواعد آمره، معاهدات بین‌المللی،^۱ عرف بین‌المللی،^۲ تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی،^۳ دکترین حقوقی،^۴

^۱. Peremptory Norm

^۲. International Treaties

^۳. international Custom

اعمال یکجانبه^۱، اصول کلی حقوقی^۲، رویه قضایی^۳، اهمیت برخی از منابع همچون قواعد آمره، معاهدات بین‌المللی، قواعد عرفی بین‌المللی و تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی، به قدری زیاد است که تخلف از این منابع موجب مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف در عرصه بین‌المللی می‌شود. هرچند عمده تعهدات ناشی از معاهدات و عرف بین‌المللی است ولی هیچ دولتی هم نمی‌تواند ادعا این را داشته باشد که به موجب منابع دیگر تعهداتی ندارد و یا در آینده تعهداتی برای آن متصور نیست و همچنین باید اجازه قانونگذار داخلی به گونه‌ای صادر شود که زمینه اجرای تمامی تعهدات بین‌المللی، صرف‌نظر از منبع ایجاد آن‌ها، برای قاضی فراهم شود. «تصریح منحصر به عهد در ماده ۹ بدین معنا است که مقررات عهود برابر با قانون بوده و اساساً قاضی ایرانی مجوزی برای اجرای منابع غیرمعاهداتی حقوق بین‌الملل را در اختیار ندارد. معنای با اثر بین‌المللی چنین تحلیلی این خواهد بود که به صورت سیستماتیک، اجرای تعهدات بین‌المللی غیرمعاهده‌ای از سوی ایران غیرممکن است که اساساً شایسته هیچ کشوری، از جمله ایران نیست» (Hashemi, 2009: 238).

۴-۱-۲-۴- تفسیرهای متعارض از ماده ۹ قانون مدنی ایران

تفسیرها و برداشت‌های متفاوتی از ماده ۹ قانون مدنی وجود دارد، که یکی از این تفاسیر مبتنی بر این است که ماده ۹ قانون مدنی، قاعده‌ای برای حل تعارض بین معاهده و قوانین دیگر وضع کرده است و در نتیجه اگر قانونی مخالف عهدنامه وضع شود قاضی باید قانون مخالف را رعایت کند و در این صورت معاهده می‌تواند نقض شود که دولت در روابط بین‌المللی باید پاسخگوی نقض معاهده باشد. بنابراین، از ماده ۹ قانون مدنی می‌توان نتیجه گرفت که معاهدات هم ارزش با قوانین داخلی هستند و در صورت تعارض بین قوانین داخلی، قانون مؤخر، قانون مقدم را نسخ می‌کند. «به نظر می‌رسد که مسأله، راه حل درست دیگری دارد که با اصول و قواعد سازگار و از ورود در محذورات بر حذر است و آن اینکه ماده ۹ قانون مدنی اساساً در مقام بیان سلسله مراتب بین قواعد و وضع قاعده حل تعارض برای آنها نیست و بنابراین نباید از آن قاعده حل تعارض استخراج کرد. زیرا تعیین جایگاه معاهده که فراتر یا فروتر از قانون عادی است، وظیفه قانونگذار اساسی است. قانون مدنی، خود در زمره قوانین عادی است و منطقی نیست که وظیفه تعیین برتری یا عدم برتری معاهده نسبت به قوانین عادی را بر عهده داشته باشد» (Shariat Bagheri, 2012: 279-292). ماده ۹، نمی‌تواند جایگاه حقوقی معاهده را تعیین کند.

¹. Decisions of International Organizations

². Doctrine

³. Unilateral Acts

⁴. General Principles of Law

⁵. Judicial Decision

مستند به ماده ۹ ق.م. عبارت «...منعقد شده باشد...» این امکان فراهم است تا اگر معاهده‌ای بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی نهاد صلاحیتدار منعقد و از سوی مجلس به تصویب رسید، قاضی ایرانی مفاد آن معاهده را، به رغم لازم‌الاجرا نبودن آن در عرصه بین‌المللی، در تصمیم‌گیری‌های خود مورد استناد قرار دهد. در واقع در این موارد، دلیل الزام‌آوری مقررات عهدنامه برای قاضی، اقدام تقنینی قانون‌گذار ایرانی است نه الزام‌آوری خود معاهده. در صورتی که قانون‌گذار نظر دیگری داشته باشد بایستی براساس قانون لاحق، قانون سابق مبتنی بر معاهده بین‌المللی را ترتیب اثر ندهد (Hashemi, 2009: 255). در نتیجه قاضی بهانه‌ای برای عدم اجرای تعهدات بین‌المللی ندارد. وی وظیفه دارد تا قواعد و مقررات بین‌المللی را همچون قوانین و مقررات داخلی، به موقع اجرا کند.

۴-۲-۲- خلاصه‌های اجرایی

علاوه بر مشکلات حقوقی اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست در ایران، «در راستای پیاده ساختن یک نظام حقوقی، بعد از طی روند قانونی و تدوین، باید در فکر اجرایی آن بود. این موضوع در جامعه جهانی، اشکال مختلف دارد؛ زیرا که گاهی دولت‌ها، حاضر نیستند منافع ملی خود را در برابر یکدیگر به خطر بیندازند» (Mahootchian and Tayebi, 2020: 99)

«نواقص اجرایی در حقوق بین‌الملل محیط زیست از دلایل مختلفی ناشی می‌شود از جمله فقدان آگاهی، نبود ابزار کافی برای اجرا از جمله امور مالی، ایجاد ظرفیت - تکنولوژی، نیاز به تسهیل انطباق با قوانین، فقدان هماهنگی بین ادارات دولتی مربوطه و نیز سایر بخش‌ها، اجرای قوانین و نظارت ناکافی، فقدان اراده سیاسی و مشارکت نامناسب ذینفعان از جمله جامعه مدنی و سازمان‌های زنان» (Report of the Secretary-General, 2018: 36). در ادامه به برخی از خلاصه‌های اجرایی این حقوق در ایران می‌پردازیم:

۴-۲-۱- محدودیت‌ها و موانع قضایی برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ایران

برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ایران خلاءهای اجرایی زیادی وجود دارد و برای حمایت قضایی از اجرا، موانع و محدودیت‌هایی وجود دارد از جمله این مشکلات قضایی موجود در ایران می‌توان اطاله دادرسی و صدور حکم نهایی، تأخیر در اجرای برخی احکام صادره، عدم محکومیت یا عدم اجرای حکم صادره راجع به قوه مجریه که در کشور ما مهمترین منبع ایجاد آلودگی و تخریب محیط‌زیست محسوب می‌شود، اشاره کرد.

برخی دیگر از موانع قضایی عبارتند از: نبود مکانیزمی که قضا را با رویه‌های قضایی دیگر کشورها آشنا سازد، عدم به روز بودن اطلاعات قضات و نداشتن تخصص آنها در مورد رسیدگی به موضوعات زیست محیطی و همچنین فقدان آرای وحدت رویه در خصوص محیط‌زیست و همچنین در قوانین و مقررات پاسخ‌های کیفری ضعیفی در این خصوص داده شده است ولی در

مقایسه با این پاسخ‌ها، رویه قضایی دادگاه‌ها ضعیف‌تر است زیرا در احکام صادره تناسبی بین حکم مجازاتی و جرم ارتكابی وجود ندارد

۴-۲-۲-۲-۴- قائل نبودن به اولویت‌گذاری برای حفاظت محیط‌زیست

در ایران حفاظت از محیط‌زیست دارای اولویت نیست و تخریب و آلودگی محیط‌زیست و بی‌توجهی به آن، روندی کاملاً اجرایی دارد. اجرای مؤثر هنجارهای بین‌المللی زیست محیطی کاملاً بستگی به پویایی نهادهای داخلی دارد و همچنین اجرای این مقررات در حقوق داخلی بیانگر قدرت دولت متعهد است. در نتیجه بهتر این است که برای اجرای مؤثر قوانین تصویب شده، دولت‌ها تمهیدات مناسبی را اتخاذ نمایند.

۴-۲-۳-۴- وجود نداشتن استانداردهای متناسب با محیط زیست

یکی دیگر از موانع اجرای تعهدات بین‌المللی زیست محیطی، عدم وجود استانداردهای متناسب با محیط‌زیست است و مسئولین اجرایی در مراکز مختلف تولیدی و خدماتی نظارت کافی بر این استانداردها ندارند. و همچنین سازمان حفاظت از محیط‌زیست که متولی اصلی امر حفاظت از محیط‌زیست در ایران است از جایگاه سازمانی نسبتاً ضعیفی برخوردار است که همین امر، مانع اجرای تعهدات زیست محیطی می‌شود.

۴-۲-۴-۴- فقدان آگاهی و آموزش همگانی

آموزش، پیش‌نیاز فرهنگ‌سازی است و تا زمانیکه آموزش، کارآمد و مؤثر نباشد جوامع به هدف حفاظت از محیط‌زیست دست نخواهند یافت. آموزش عمومی، رویکردی جدیدی در زمینه محیط‌زیست است که شمولیت و عمومیت دارد و موجب شناخت بیشتر انسان از اکوسیستم می‌شود و ارتباط وی را با محیط‌زیست بهبود می‌بخشد. ضرورت دارد که هر فرد برای بقای بشر و ارتقاء سطح کیفیت زندگی از ارتباط آدمی با محیط‌زیست آگاهی داشته باشد.

عدم آگاهی مردم از مسائل محیط‌زیست، یکی دیگر از علل مهم تخریب محیط‌زیست است. در ایران خلاءهای زیادی در رابطه با آموزش همگانی در تمامی سطوح اعم از مدارس، مهد کودک، آموزش عالی، نهضت‌های سوادآموزی و سیاست‌گذاران، رسانه‌ها و... وجود دارد. «بی‌تردید ریشه اصلی بسیاری از رفتارهای تخریبی علیه محیط‌زیست به عوامل فرهنگی از جمله عدم آگاهی نسبت به پیامدهای تخریب محیط‌زیست، نحوه برخورد صحیح با محیط‌زیست و به‌ویژه اطلاعات تخصصی ناکافی شرکت‌ها و سازمان‌های صنعتی و اقتصادی در نحوه اعمال مدیریت همساز با محیط‌زیست در فعالیت‌های خود بازمی‌گردد» (Abdollahi & Faryadi, 2010: 19). در ایران سازمان محیط‌زیست در کنار نهادهای دیگر، مرجع اصلی امر آموزش و اطلاع‌رسانی زیست محیطی است اما برنامه‌های ارائه شده این سازمان با نیازهای فرهنگی کشور در خصوص محیط‌زیست متناسب نیست و حجم برنامه‌ها، تنوع و دسترسی به آنها کم و محدود است.

۴-۲-۴- محدودیت دسترسی به تکنولوژی و فن آوری

امروزه تکنولوژی از عوامل رشد و توسعه اقتصادی به حساب می‌آید ولی اگر برای این فناوری تدابیر خاصی اندیشیده نشده باشد بر روی محیط‌زیست تأثیرات مخربی می‌گذارد که گاهی جبران آن، امری غیرممکن می‌باشد، به همین جهت به کاربرد فناوری پاک، امری مهم و ضروری است.

«کشورهای درحال توسعه از جمله کشور ایران به منظور پیشرفت در حوزه علم و فناوری راهکارها و اقداماتی ارائه کرده که از جمله این راهکارها عبارتند از: الف- ایجاد نهادهای قوی و مأموریت‌گرا برای توسعه علم و فناوری در حوزه‌های اولویت‌دار؛ ب- ایجاد زیرساخت‌های نظام ملی نوآوری؛ پ- ایجاد حلقه‌های مفقوده در نظام ملی نوآوری و تدوین برنامه‌های ملی علم و فناوری» (Yousefi, 2012: 180).

۴-۲-۳- خلاءهای سیاسی

علیرغم ظرفیت‌هایی که برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست وجود دارد و با توجه به تلاش‌های بین‌المللی جامعه جهانی برای اجرای این حقوق در چند دهه اخیر، ولی موانع و محدودیتها در این زمینه زیاد است که یکی از موانع، موانع سیاسی است. که در ادامه به مطالعه این موانع می‌پردازیم:

۴-۲-۱- حاکمیت دولت‌ها

عدم تمایل دولت‌ها به تفویض حاکمیت و یا محدود کردن آن به نفع سازمان‌های بین‌المللی زیست محیطی، یکی از موانع اصلی توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. «از سوی دیگر، تضاد بین منافع بازیگران اصلی حقوق بین‌الملل (دولت‌ها) در خصوص حفاظت محیط‌زیست که ناشی از حاکمیت ملی دولت‌هاست، توسعه و گسترش حقوق بین‌الملل را با چالش مواجه می‌کند. این تضاد منافع می‌تواند شامل: منافع سیاسی، اقتصادی، تجاری و... باشد» (Poorhashemi & Parandeh motlagh, 2015: 189). اصل حاکمیت، یکی از اصول مهم در بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ مطرح شده که در واقع این بیانیه، حاکمیت دولت‌ها را متکی بر مفهوم استفاده معقولانه و منطقی از سرزمین تعریف می‌کند و «بدون شک حق بر داشتن محیط‌زیست سالم از جمله قواعد بنیادین بوده و امکان بهره برداری شایسته از آن انتظار می‌رود» (Naderi and et.al., 2020: 116).

۴-۲-۲- گستردگی ابعاد موضوعات زیست محیطی

هوا، آب و خاک و هرچه که در کره زمین و ماورای جو وجود دارد همه ابعاد زندگی بشریت هستند که محیط‌زیست این ابعاد را شامل می‌شود. در واقع گستردگی ابعاد موضوعات زیست محیطی بسیار زیاد است و تدوین مقررات و قوانین برای این ابعاد زمان زیادی می‌برد. گستردگی موضوعات مرتبط با محیط زیست، باعث عدم توسعه کافی علم و دانش بشری می‌شود

که همین امر بر این مشکلات می‌افزاید و این علم و دانش بشری نمی‌تواند همه ابعاد محیط‌زیست را فراگیرد.

۴-۲-۳- کمبود منابع مالی و پرهزینه بودن حفاظت محیط‌زیست

وجود مکانیسم منابع مالی، از جمله ضروری‌ترین ابزارهای مؤثر حمایت و حفاظت از محیط‌زیست جهانی می‌باشد (Tayebi and et.al., 2018: 107-137). در کشورهای در حال توسعه به دلیل اینکه بیشترین تعداد کشورها را در جهان دارند، منابع مالی کافی برای حفاظت و حمایت از محیط‌زیست در اختیار ندارند و حفاظت محیط‌زیست خصوصاً در این کشورها پرهزینه است و همین امر موجب ایجاد مشکلاتی شده است.

برای حل این محدودیت‌ها و مشکلات، راهکارهای زیادی می‌توان پیشنهاد کرد «یکی از این راهکارها اتخاذ ره‌یافت «بین‌المللی کردن» حفاظت محیط‌زیست است که بر دو پایه حقوقی استوار می‌باشد» (Poorhashemi and Arghand, 2013: 169) و توسعه ماهوی و مفهومی حقوق بین‌الملل یکی دیگر از این راهکارها است.

نتیجه‌گیری

تلاش کشورها برای اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در نظام داخلی خود یکی از موضوعات جدید در نظام حقوق بین‌الملل معاصر است. در ایران نیز، موضوع جایگاه حقوق بین‌الملل و چگونگی اجرای آن، چندی است به عنوان دغدغه حقوقدانان قرار گرفته است. هدف این نوشتار، بررسی فرصت‌ها و چالش‌های اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در نظام حقوقی ایران بود که برای تحقق این هدف، ظرفیتهای حقوقی، خلأهای حقوقی و عملی اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ایران و راهکارهای جبران آن خلأها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. این تحقیق نشان داد که میزان پایبندی دولت‌ها به اجرای تعهدات بین‌المللی، صرفاً متأثر از تقسیم‌بندی کلاسیک نظریه‌های «یگانگی حقوقی» و «دوگانگی حقوقی» نیست بلکه علاوه بر آن، رویه عملی نظام حقوقی حائز اهمیت است. رویه عملی نظام حقوقی ایران نشان دهنده «استقلال» و حتی «برتری» آن بر نظام حقوق بین‌الملل است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در خصوص نحوه اجرای حقوق بین‌الملل عمومی و بالتبع آن، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست ساکت و صامت است. از سوی دیگر، تشریفات مربوط به انعقاد یک معاهده بین‌المللی محیط‌زیستی، مانند تشریفات مربوط به وضع یک قانون عادی از لحاظ تصویب مجلس و امضای رئیس‌جمهور است. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که آن دو قاعده از حیث اعتبار حقوقی سطحی برابر دارند و در صورت تعارض، قاعده مؤخر، قاعده مقدم را نسخ می‌کند. البته بعید است دولت ایران پس از تصویب معاهده‌ای، قانونی معارض با آن را وضع نماید و عملاً آن معاهده را بدون اثر سازد، زیرا این امر صرف نظر از ایجاد مشکلات عدیده

در روابط میان ایران و سایر کشورهای متعاقد، موجب مسئولیت بین‌المللی ایران نیز می‌شود. علاوه بر آن، در خصوص اجرای هنجارهای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ایران، اجرای معاهدات بین‌الملل زیست محیطی مبتنی بر به رسمیت شناختن جداگانه آن در حقوق داخلی نیست. از این رو، موضوع تساوی اعتبار حقوق داخلی با حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در نظام حقوقی ایران، تنها به حقوق بین‌الملل معاهده‌ای محدود می‌شود، نه سایر مقررات حقوق بین‌الملل. همانگونه که قبلاً متذکر شدیم، ماده ۹ قانون مدنی ایران ظرفیت حقوقی لازم برای تدوین و تعریف رابطه حقوق داخلی و بین‌المللی را ندارد. لذا یکی از مهمترین راهکارها برای جبران خلأ حقوقی، وضع قوانین و مقررات جدید برای تعریف نحوه اجرای حقوق بین‌الملل به طور عام و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به طور خاص است.

البته در سال‌های اخیر، رویه‌هایی در نظام قانون‌گذاری ایران معمول شده که کاملاً حاکی از پذیرش نظریه یگانگی حقوقی با برتری حقوق داخلی است، از جمله قانون الحاق ایران به کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ که در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳ با شرط اینکه مفاد کنوانسیون در مواردی که با قوانین داخلی و موازین اسلامی در تعارض باشد، از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نمی‌باشد، در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. با این همه، نظام قانونگذاری و مقام تفسیر قوانین بایستی برای جبران این خلأهای حقوقی چاره‌ای بیاندیشد.

References

1. Abdollahi, M. Faryadi, M. (2010). Legal Challenges Facing Iran's Department of Environment. *Environmental Sciences Journal*. 143-179. **(In Persian)**
2. Azari, H. Tabatabai Hesari, N. (2017). The Iranian Legal System Challenges regarding Accession to the Human Rights Treaties from the Perspective of International Law. *Comprative Law Review*. 8, 1-24. **(In Persian)**
3. Bahadori Jahromi, A. Fattahi Zafarghandi, A. (2016). Review of the Ambiguities of the Islamic Consultative Assembly's Competence in Approving International Agreements with Regard to the Decisions of the Guardian. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*. 4, 113-134. **(In Persian)**
4. Chiam, M. (2018). *Monism and Dualism in International Law*. London: Oxford Bibliographies.
5. Constitution of the Islamic Republic of Iran. Adopted by referendum in 1979 and amended on 28 July 1989.
6. Encyclopedia of Public International Law. (2014). *Department of Law and Political*

Scienc. (In Persian).

7. Ezadi, A. (2015). A Comparative Perspective on the Role of National Courts in Enforcing International Law. *Public Law Studies Quarterly*.45, 497-529. **(In Persian)**
8. Falsafi, H. (1994). Implementation of the Provisions of International Law. *Journal of Legal Research*. 31-98 **(In Persian)**.
9. Jackson, R. Sornsen, G. (2015). Introduction to International Relations, Theories and Approaches. Translated by Zakrian & Others. Tehran: Mizan. Second Edition **(In Persian)**.
10. Hashemi, H. (2009), Implementation of International Obligations in the Iranian Judicial System: Limitations and Capacities. *Journal of Legal Studies*. 15, 229-258 **(In Persian)**.
11. Humphreys, S. Otomo, Y. (2014). Theorising International Environmental Law. *LSE Law, Society and Economy Working Papers*. 9.
12. Kirchmair, L. (2018). Who Has. The Final Say? The Relationship Between International, Eu and National Law. *European Journal of Legal Studies*.10, 47-100.
13. Mahootchian, S. Tayebi, S. (2020). Determining the Dimensions of Environmental Protection in the light of Development and International Convergence. *International Studies Journal (ISJ)*, 3, 12-93. **(In Persian)**
14. Mardani, N. Hasan zadeh, E. (2017). Comparative Study of Role and Place of the JCPOA in the Legal System of Iran and United States of America. *Journal of Foreign Policy*. 31, 75-112. **(In Persian)**
15. Medvedieva, M. (2014). The non-confrontational and confrontational means of implementation of International Environmental Law. *Journal of Environmental Law and Litigation*. 15, 225-242.
16. Martin, P. Kennedy, A. (2015). *Implementing Environmental Law*, Australia: Edward Elgar Pub.
17. Naderi, SH. Afshari, M. Farshchi, P. Poorhashemi, A. (2020). Methods of Implementing the Goals of Sustainable Development in the Persian Gulf Region from the Perspective of International Environmental Law. *International Studies Journal*, 111-131. **(In Persian)**
18. Owada, H. (2011). The Problems of Interaction between International and Domestic Legal Orders. *Singapore Academy of Law Journal*, 23, 1-22.

19. Poorhashemi, A. Sobhaninia, M. (2020). The Position of the Treaty in the Iranian Legal System with a Look at How to Implement Environmental Treaties in Iran. *Journal of Environmental Science and Technology*. **(In Persian)**
20. Poorhashemi. A. Arghand. B. (2013). *International Environmental Law*. Tehran: dadgostar. **(In Persian)**.
21. Poorhashemi. A. Parandeh Motlagh. A. (2015). *General international law*. Tehran: dadgostar. **(In Persian)**.
22. Popovski. V. (2020). *The Implementation of the Paris Agreement on Climate Change*. Routledge.
23. Report of the Secretary-General. (2018). Gaps in international environmental law and environment-related instruments: towards a global pact for the environment: <http://hdl.handle.net/20.500.11822/27070>.
24. Saiful Hasan. G. (2013). *Contemporary Issues in International Law*. Bangladesh: Springer.
25. Sand. Peter H. (2015). The History and Origin of International Environmental Law: Introduction. *Edward Elgar Publishing Ltd*.
26. Saxena. M. (2015). International Environmental Law –Concept, Elements and Principles. *International Journal of Research –Granthaalayah*.
27. Shariat bagheri. M.J. (2012). The Supremacy of International Treaties over Ordinary Laws. *Journal of Legal Studie*. 56, 279-305. **(In Persian)**.
28. Sohrablo. B. Tajarlo. R. Saedi. B. (2019). The Impact of Domestic Law on the Rules and Norms of International Law. *Journal of Public Law Studies*, 2, 449-470. **(In Persian)**
29. Tayebi, S., Tale Khorsand, H. Poorhashemi, S. (2018). World-Class International Environmental Law: Strategies and Approaches. *International Studies Journal (ISJ)*, 15(2), 107-137. **(In Persian)**
30. UNEP. (2018). Future Shape of International Law to Address Pollution of Global Significance Affecting. The Earth's Ecosystems: Consolidated Report of Initial Consideration by Experts: <http://hdl.handle.net/20.500.11822/26339>.
31. Yousefi. Z. (2012). *Obstacles and Challenges to the Implementation of International Environmental Obligations at the National Level, A Case Study of Iran and France*. Qom: University of Qom **(In Persian)**